



لکنت زبان رسانه‌ای عدلیه

تصویر رسانه‌ای ناخوب قوه قضائیه نشئت گرفته از ضعف تلاش‌ها نیست بلکه بدسلیقگی و اشتباه رفتن مسیر است

مسیرها و تشخیص ناصحیح امورات، منجر به این عارضه می‌شود که تقریباً همه‌نخبگان در باره آن اتفاق نظر دارند و یکی از ضعف‌های دستگاه قضا را حوزه رسانه‌ای آن می‌دانند. اخیراً قوه قضائیه با همکاری صداوسیما اقدام به تولید سریال‌هایی چون «آقای قاضی» و «باز پرس» کرده است که نفس کار مورد استقبال نخبگان و عموم مردم واقع شده است چه آنکه حداقل در بُعد تقویت سواد حقوقی آحاد جامعه، اثر مثبتی داشته است و درخواست‌های مردمی برای استمرار سریال «آقای قاضی» دلیلی بر این ادعاست.

مبارزه با مفاسد اقتصادی تأکیدی است که در امر مبارزه با فساد به جای تبلیغات، آثار ویرانگر عمل، مشهود شود و حتی به دست‌اندرکاران تأکید کردند اطلاع‌رسانی به افکار عمومی را با حفظ یک سری اصول در نظر داشته باشند. تلاش برای بهبود تصویر رسانه‌ای قوه قضائیه، نیاز به ظرافت‌هایی دارد که طبعاً از عهده افراد سفارشی بر نمی‌آید و باید افراد حرفه‌ای و مسلح به علم رسانه ورود کنند. تصویر رسانه‌ای ناخوب قوه قضائیه، همیشه نشئت گرفته از ضعف تلاش‌ها نیست بلکه بعضاً بدسلیقگی‌ها و اشتباه رفتن

«زبان نظام از عقل نظام عقب است»؛ این جمله شاید باسمازترین گزاره برای توصیف وضعیت رسانه‌ای قوای مختلف از جمله قوه قضائیه است چه آنکه اقدامات صورت گرفته به درستی منعکس نمی‌شود و همین ضعف، اصل واقعیات را در بین افکار عمومی به گونه‌ای غیرواقعی جلوه می‌دهد. همین تیر ماه امسال بود که رهبر حکیم انقلاب در دیدار مسئولان قوه قضائیه فرمودند: «تصویر رسانه‌ای قوه قضائیه، تصویر خوبی نیست؛ باید این تصویر اصلاح شود.» البته ایشان قبل از آن نیز در جریان فرمان هشت ماده‌ای به سران قوادریه

«آقای قاضی» باید نمایش پیروزی حق بر باطل باشد

جذاب بودن برای مخاطب می‌تواند آثار مثبتی را در کاهش پرونده‌های دستگاه قضایی به دنبال داشته باشد. به نمایش گذاشتن خدمات و کلا در دفاع از موکل اعتبار ضرب‌المثل «آدم زنده و کیل وصی نمی‌خواهد» با هزاران مثال نقض مخدوش شده است. وکالی دانشمند و با وجدان از منافع انسان‌های زنده که به هر دلیل گذرشان به عدلیه افتاده دفاع می‌کنند و با تسلطی که بر قوانین دارند با روشن ساختن زوایای تاریک یک موضوع، قاضی را در تشخیص حکم و صدور تصمیم نهایی کمک می‌کنند. لذا نمایش دادن ظرافت‌های این شغل توانایی‌های یک وکیل در دفاع از یک انسان مظلوم که حقیقت در معرض تضییع قرار گرفته و با مجاهدت‌های وی حق را باطل برای قاضی تشخیص داده شده و ذی‌حقی به حقیقت رسیده می‌تواند به ترسیم چهره صحیح از جامعه و کالت و البته نظام قضایی کمک کند.

ترسیم چهره زنان قاضی

سال‌هاست قضات زن در مراجع قضایی به عنوان دادیار یا قاضی مشاور (مستشار) به ویژه در دادگاه خانواده به ابغای نقش قضاوت مشغولند. اما تصور صحیحی از این موضوع در جامعه وجود ندارد و برخی گمان می‌کنند زنان مطلقاً قاضی نمی‌شوند! آقای قاضی اسم جنس است و این شغل منحصر در قضاوت مردان نیست. عبارت خانم قاضی هم به همان اندازه صحیح و مورد استفاده است. در وضعیت که تویخانه رسانه‌ای دشمن، زنان را هدف قرار داده با سردادن شعارهایی ظاهراً داعیه‌دار حقوق زنان است، رسانه ملی می‌تواند با نمایش اقتدار یک قاضی زن در دادگاه و جایگاه قاضی زن در نظام قضایی انقلاب اسلامی چهره و جایگاه واقعی زنان مسلمان را در جامعه قضایی و حقوقی ایران ترسیم کند.

داستان پردازی با هدف پاسخ به برخی شبهات

گاهی اوقات در میان عموم مردم شایعاتی مطرح می‌شود که خلاف قوانین است و هنگام بروز اختلاف بین افراد، دادگاه‌ها به تحو دیگری رأی می‌دهند. مثلاً مدتی شایع شده بود که مورث می‌تواند فردی از ورته خود را از ارث محروم کند در حالیکه اساساً این موضوع خلاف قانون است. لذا پاسخ هنری و حقوقی بر نفی برخی باورهای غلط و روایت داستان‌هایی که مصلح آن باور باشد می‌تواند الگوی خوبی در برنامه‌سازی «آقای قاضی» باشد.

پر رنگ جلوه دادن پیروزی حق بر باطل

هر چند نتیجه حکم قاضی کاشف از حقیقت است و به رفتار، اعمال و نیت انسان‌ها در دادگاه بزرگی در محضر دادار بی‌همتا رسیدگی خواهد شد، اما یکی از نتایج قطعی این برنامه نمایش پیروزی حق بر باطل، پیروزی حق و حقیقت و شکست کژی و پلیدی باشد. نمایش هنرمندانه نتیجه هر داستان به نحوی که در ذهن هر بیننده‌ای همین امر را محقق کند از برنامه‌سازان «آقای قاضی» مورد انتظار است.



آقای قاضی

اثر گذاری آن در قالب واقعیت بیافزاید تا جایی که برخی می‌گویند این افراد شبیه مردم عادی هستند که در طول روز می‌بینیم. چند که برخی معتقدند سریال «آقای قاضی» از عهده شناخت صلاحیت محاکم تا نحوه دادرسی و حتی شیوه گفت‌وگوئی اصحاب پرونده یا قاضی، بر خوردار است. اما از آنجایی که ساخت یک سریال یا گنجاندن مطالب حقوقی دارای ویژگی‌های خاص خود خواهد بود، در نتیجه چنین نقدهایی در عین حال که وارد است اما همه جانی نیست. در واقع باید گفت این سریال هر چند تفاوت‌هایی با واقعیت جاری محاکم دارد اما توانسته است گام‌های آموزشی خوبی را بردارد. در همان روزهای ابتدایی پخش، محسن ابراهیمی رئیس امور فرهنگی قوه قضائیه به تحسین این سریال پرداخت. او گفت: «مردم باید بدانند سریال «آقای قاضی» می‌تواند آموزش‌های حقوقی ببینند و تلنگر حقوقی داشته باشند.»

یکی از نکات جالب توجه در این سریال استفاده از هنرمندان مختلف به خصوص بازیگران تئاتر به جای استفاده از سلبریتی‌ها است و همین امر توانسته به جذابیت آن و

«آقای قاضی»

زبان عامه‌پسند قوانین خشک

تصرف است در نتیجه بیان این موضوعات به زبان ساده و عامیانه خلاقیتی بس شگرف لازم دارد. از این مهم‌تر نشان دادن چنین موضوعاتی از رسانه ملی به دلیل جامعیت آن اثر گذاری بسیار اثر گذار تر است.

تلنگر و آموزش حقوقی

در طول این سال‌ها سریالی با سوزهای که اختصاصی که به موضوعات مشخص حقوقی و مشکلات ریز و درشت بپردازد، نداشته‌ایم. هر چند که برخی معتقدند سریال «آقای قاضی» از عهده شناخت صلاحیت محاکم تا نحوه دادرسی و حتی شیوه گفت‌وگوئی اصحاب پرونده یا قاضی، بر خوردار است. اما از آنجایی که ساخت یک سریال یا گنجاندن مطالب حقوقی دارای ویژگی‌های خاص خود خواهد بود، در نتیجه چنین نقدهایی در عین حال که وارد است اما همه جانی نیست. در واقع باید گفت این سریال هر چند تفاوت‌هایی با واقعیت جاری محاکم دارد اما توانسته است گام‌های آموزشی خوبی را بردارد. در همان روزهای ابتدایی پخش، محسن ابراهیمی رئیس امور فرهنگی قوه قضائیه به تحسین این سریال پرداخت. او گفت: «مردم باید بدانند سریال «آقای قاضی» می‌تواند آموزش‌های حقوقی ببینند و تلنگر حقوقی داشته باشند.»

یکی از نکات جالب توجه در این سریال استفاده از هنرمندان مختلف به خصوص بازیگران تئاتر به جای استفاده از سلبریتی‌ها است و همین امر توانسته به جذابیت آن و اهمیت وازگان خشک، غیر قابل دخل و

بتوان مصداق کج‌سلیقگی نام نهاد. اینکه مبارزه با فساد به گونه‌ای قلمداد شود که مجموعه نظام سیاسی درگیر فساد است، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، کج‌سلیقگی عاملان و تصمیم‌گیران چنین سریالی است. اگر چنین باشد که مجموعه نظام سیاسی درگیر فساد است، پس چطور می‌شود پرونده‌های مسئولان ارشد در ادوار مختلف از کبر طبری و محمدرضا رحیمی و اسفندیار رحیم‌مشایی و حمیدرضا بقایی گرفته تا مهدی هاشمی و مهدی جهانگیری و حسین فریدون پای میز محاکمه کشانده می‌شوند!

تصویر دقیق در کنار نحوه مبارزه

در اینکه در درون بخش‌هایی از مجموعه نظام اداری کشورمان فساد حلقه‌ای و سازماندهی شده وجود دارد، شکی نیست ولی این به معنای آن نیست که نظام سیاسی درگیر فساد سیستماتیک است و همه‌افراد درگیر فساد هستند، اگر چنین بود نه چنین فسادهایی افشا یا آن مقابله می‌شد و نه حتی رسانه ملی چنین سریال‌هایی را پخش می‌کرد. شایسته بود در سریال یاد شده به این مهم توجه می‌شد تا تصویر دقیقی از سطح فساد و سپس نحوه مبارزه با آن به تصویر کشانده می‌شد.

نکته دیگری که نباید از آن غافل نشد، وجود فساد در دستگاه قضا با دیگر دستگاه‌ها متفاوت است چه آنکه دستگاه قضا حکم همان نمک را دارد و اگر بخشی از آن دچار فساد شود، تبعاً آثار و تبعات شدیدی خواهد داشت. کما اینکه وقوع فساد در مجموعه نظام سیاسی کشورمان، بدون همراهی احدی از دستگاه قضا، تقریباً نزدیک به صفر می‌شود. بنابراین باید به این نکته نیز توجه شود که فساد در دستگاه قضا، به مراتب خطرناک‌تر خواهد بود و ضربه سنگینی نیز به اعتماد عمومی خواهد زد. از این جهت باید این ریزه‌کاری‌ها مورد توجه واقع شود.

قانونگذار برای مقام قضایی جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته است و استقلال آن را تضمین کرده است بنابراین باید بدون در نظر گرفتن فشارها و تهدیدها و تضمین‌های احتمالی در مسیر مبارزه با فساد گام بردارد، مسیری که هم‌اکنون برقرار است و برخی کج‌روی‌ها نیز باید به شدت مورد برخورد واقع شود. این مهم ممکن نیست مگر آنکه دستگاه قضا مردم را در نظارت بر این نهاد قضایی کشور، شریک کند و اجازه دهد مردم بدون لکنت زبان و ترس از عواقب ناگوار، کژی‌ها و تخلفات و حتی شنیده‌ها را بگویند و واقفاً نتیجه مثبت آن را نیز ببینند.



باز پرس نمایش ناقص فسادستیزی و عدالت خواهی

نکات و نقاط ضعف و فرآیندهای معیوب و دارای ایراد را هم بازگو کنید و به تصویر بکشید تا برای ما نیز جنبه آموزنده داشته باشد و ما را وادار به رفع نقایص کند؛ البته این مقوله در خصوص همه دستگاه‌ها صدق می‌کند و مختص قوه قضائیه نیست.» رئیس دستگاه قضا تصریح کرد: «کار شما علاوه بر محصول نهایی که به نمایش درمی‌آید، باید به زمینه‌ای برای استفاده حداکثری از ظرفیت‌های دستگاه قضا برای ارتقای آگاهی‌های حقوقی و قضایی مردم و پیشگیری از وقوع جرم تبدیل شود؛ فیلم «باز پرس» باید بهانه‌ای شود که اصطلاحاً بیخ‌های میان هنرمندان و قوه‌قضائیه را آب کند و به تبع آن، تعامل هنرمندان و دستگاه قضا گسترش پیدا کند.»

کج‌سلیقگی در نمایش فساد

هر چند می‌توان گفت سریال «باز پرس» اثبات کرد می‌توان از فساد گفت و انتقاد کرد و مقابل آن هم ایستادگی کرد اما این همه ماجرا نیست بلکه باید ابعاد دیگری از سریال را به نظراره نشست. یکی از نکاتی که نباید از آن غافل شد، چگونگی به‌تصویر کشیدن، اقدامات انجام شده در این سریال است. این همان گرانیگویی است که شاید آن را

شده بود و در سریال به نام تاجزاده از وی یاد می‌کردند. جالب این است که تصویر پایانی قسمت آخر مجموعه تلویزیونی «باز پرس» گفت‌وگویی شکل می‌گیرد که دقیقاً چراغ سبز بر خورد بدون مماشات با مسئولان فاسد و کله‌گنده به تماشاگر ارائه می‌شود.

حمایت ریاست قوه قضائیه

در واقع نهاد قضایی کشور با ساخت سریال «باز پرس» نسبت به وجود فساد اذعان کرد تا جایی که حتی جحت‌الاسلام محسنی اژه‌ای ریاست قوه قضائیه خطاب به عوامل و دست‌اندرکاران مجموعه تلویزیونی «باز پرس» گفت: «قرار نیست چون فیلم شما در باره قوه قضائیه است، فقط بازگوکننده نکات مثبت این قوه باشید؛ می‌توانید

مقابله با فساد یکی از حوزه‌های مهم در ساختارهای انتظامی و قضایی است. چگونگی نفوذ در روابط اقتصادی همسراه با ماجراهای پلیسی، تلفیقی از یک داستان را ایجاد می‌کند که برای ساخت اثر تصویری، بسیار جذاب خواهد بود. مجموعه‌های آشنایی چون «پایتخت» یا «نون خ» این پردازش فساد را در اقتصاد داشت و مخاطبان ارتباط خوبی گرفتند. هفته گذشته سریال «باز پرس» به پایان رسید، سریالی با برداشت از چندین پرونده اقتصادی مهم که ماه‌ها نهاد قضایی کشور درگیر رسیدگی به این پرونده بود و هر روز ابعاد جدید و اسامی جدیدی از دل آن بیرون می‌آمد. باز پرس نیز تلاش کرد تا مخاطب به نحوی ملموس‌تر با پیچ و خم‌های فسادستیزی و عدالت خواهی قانون‌مدار دستگاه‌های مختلف نظام آشنا شود و دریابد هستند کسانی که بدور از هیاهو و بی‌آنکه مدالی داده شود و حتی حرفی در رسانه‌ها مطرح شود آسایش، امنیت، جان و مال و ناموس خود را در مخاطره قرار می‌دهند.

داستان و واقعیت یک سریال

داستان سریال به قسمتی از پرونده فساد بزرگ بانک سرمایه (بانک فردا) و صندوق ذخیره فرهنگیان (صندوق کاش) بود که از دل آن پرونده‌هایی چون برادران ریخته‌گران، فساد خریداری پتروشیمی و... که خورد و نزدیک به ۴۰۰ متهم داشت. محمد امامی (ایوب امامی) تهیه‌کننده معروف و سرمایه‌گذار سریال شهرزاد و فیلم‌هایی چون ابد و یک روز، احسان دلاویز (سعید شیاویز) از تسهیلات گیرندگان بانک سرمایه، فاطمه شامانی (فرزانه شادمان) همسر دوم شهاب الدین غندالی که رابط فساد با امامی بود، سعیداحمد هاشمی شاهرودی (محمد صادق سلطان رودی) عضو هیئت‌مدیره و شریک محمد امامی در برخی از شرکت‌های تسهیلات‌گیرنده، شهاب الدین غندالی (سوهانی) مدیر عامل وقت صندوق ذخیره فرهنگیان (کاش)، از جمله مواردی بود که در این سریال به صورت روشن به آن پرداخته شد. همچنین از ارتباطاتی یکی از نمایندگان مجلس با متهمان بانک سرمایه برده‌برداری شد که در اعترافات برخی متهمان این پرونده نام وی بر ملا

شهاب‌الدین غندالی
۱۲ سال حبس
۷۴ ضربه شلاق
محرومیت
از مشاغل دولتی

محمد امامی
۲۰ سال حبس
رد مال
محرومیت
از مشاغل دولتی

احسان دلاویز
۱۰ سال حبس
۷۴ ضربه شلاق
محرومیت از مشاغل دولتی
رد مال